

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج یا رحم سروز حق

بخش (دوم)

دوره، هفتم، شماره دوازدهم

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۳

نام جزوه: حج یا پرچم پیروز حق (بخش دوم)
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه درراه حق

ناشر: موسسه درراه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه درراه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

فصل اول.....	۶
الف: فضیلت حج از دیدگاه آیات و روایات.....	۶
ب: فضیلت و اهمیّت حج و کعبه از دیدگاه روایات..	۱۳
پیرامون تشریح حج و وجوب آن.....	۱۸
فصل دوم.....	۲۴
فلسفه‌ی حج از دیدگاه آیات و روایات.....	۲۴
بیانی از بانوی بزرگ اسلام.....	۴۴
فصل سوم.....	۴۵
تجزیه و تحلیل کلی و جمع بندی.....	۴۵

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۵

در بخش نخستین از این نوشتار: «پرچم پیروز حق» به اختصار از حج و عمره و اماکن مربوطه سخن گفتیم؛ و اکنون در این بخش دوم، به بررسی فضیلت و فلسفه حج از دیدگاه آیات و روایات می‌پردازیم.

مطالب این بخش طی سه فصل به این ترتیب، تبیین و تنظیم شده است:

فصل اوّل: فضیلت حج از دیدگاه آیات و روایات؛

فصل دوّم: فلسفه حج از دیدگاه آیات و روایات؛

فصل سوّم: تجزیه و تحلیل کلی و جمع‌بندی.

فصل اول

الف: فضیلت حج از دیدگاه آیات و روایات

الف - فضیلت حج و کعبه از دیدگاه آیات

۱ - «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ بی گمان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنیاد گردید، آن است که در بکّه است، مبارک است و راهنمای جهانیان. در آن نشانه‌هایی است آشکار، مقام ابراهیم و هر که به آن (خانه) درآید در امان باشد و بر مردم واجب است که برای خدا آهنگ خانه «او»

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۷

کنند، آن‌ها که توانایی رفتن به سوی آن دارند؛ و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، پس به یقین خدا از همه جهانیان بی‌نیاز است»^۱.

۲ - «وَ اِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمِنًا وَ اتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهِيْمَ مُصَلِّیْنَ وَ عَهْدِنَا اِلٰی اِبْرٰهِيْمَ وَ اِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِيْنَ وَالْعٰكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ»؛ و (یاد کن) آن گاه که ما خانه (کعبه) را مرجع هر ساله مردم یا محل ثواب و اجر و جایگاه امن قرار دادیم و شما از «مقام ابراهیم» نمازگاه برای خود بگیرید؛ و ابراهیم و اسماعیل را فرمودیم که

خانه مرا برای طواف کنندگان و ساکنان حَرَم و رکوع
کنندگان و سجود کنندگان پاکیزه دارید.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا
وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى
عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ و(یاد کن) آن گاه که
ابراهیم گفت پروردگارا اینجا را یک شهر امن قرار
بده و مردم آن را از میوه ها روزی ده، مردمی که به
خدا و به روز رستاخیز ایمان دارند. گفت: «ما دُعای
تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات،
بهره مند ساختیم»؛ اما به آنها که کافر شدند، بهره
کمی خواهیم داد، سپس به عذاب آتش دچار می کنم
(که) بازگشت گاه بدی است.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۹

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ
رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و آن گاه که
ابراهیم پایه های خانه ی (خدا) را با اسماعیل، بالا
بردند، (گفتند): پروردگار ما، از ما بپذیر، به راستی که
توشنوی دانایی.

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً
مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ پروردگار ما، ما را از فرمانبرداران
خود قرار بده؛ و از فرزندان ما، امتی که تسلیم
فرمانت باشند به وجود آور و مواضع اعمال حج یا
«طرز» عبادت ما را به ما بنما و توبه ی ما بپذیر که
بنشان ده بی گمان توئی توبه پذیر مهربان.

۱۰ / حج یا پرچم پیروز حق

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ
آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

پروردگار ما، در میان آنان پیامبری برانگیز از
خودشان تا آیات ترا بر آنان تلاوت کند و کتاب و
حکمت را به آنها بیاموز و آنها را پاک کند، براستی
که عزیز حکیم هستی.^۱

۳ - «وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...؛ و حج و

عمره را برای خدا به پایان رسانید...».^۲

۴ - «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ

الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَ

۱ . سوره‌ی بقره آیات ۱۲۵ تا ۱۲۹.

۲ . سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۹۶.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۱۱

مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ
التَّقْوَى وَ اتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ؛ (وقت) حج،
ماه‌های معینی است و هر کس در آن ماهها حج بر او
لازم شود به حج برود، باید آمیزش جنسی نکند و به
فسوق (دروغ و دشنام) و به جدال (بله و الله و نه و
الله) در زمان حج وارد نشود و هر چه از نیکی‌ها
کنید، خدا بر آن آگاه است؛ و شما توشه (راه)
برگیرید که بهترین توشه پرهیزکاری است و از من
بترسید ای صاحبان خرد».

۵ - «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ
أَمِينًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ إِنَّهُمْ أَسْوَ
كَثِيرًا مِنْ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي
فَأَنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم

گفت: پروردگار من! این شهر را ایمن کن و من و پسرانم را از پرستش بتان دور دار، پروردگار من! بی گمان آن ها (بتان) بسیاری از مردم را گمراه کردند. پس هر کس از من پیروی کرد، بی گمان او از من است و آن کسی که به من نافرمان شد، به یقین تو آمرزنده مهربانی.

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادِ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ
عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً
مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ
يَشْكُرُونَ؛

پروردگارا: من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل‌های

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۱۳

گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند.

ب: فضیلت و اهمیّت حج و کعبه از دیدگاه روایات

۱ - امام ششم (علیه السلام) می فرماید:

«لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ.»

مادامی که کعبه «و برنامه ی حج و عمره» برپا

است، دین «اسلام» نیز همواره ثابت (و پایرجا)

است»^۱.

۲ - و نیز از آن حضرت است که فرمود: «مَنْ

نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ لَمْ يَزَلْ تُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ وَ تَمْحَى عَنْهُ

سَيِّئَةٌ حَتَّى يَصْرِفَ بَبَصَرِهِ عَنْهَا»؛

۱ . من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۵۸ و کافی، ج ۴، ص ۲۷۱.

هر کس به کعبه بنگرد تا هنگامی که چشم از آن بر نداشته، حسنه (و ثوابی) برای او نوشته می‌شود و گناهی از او محو می‌گردد.^۱

۳ - و نیز، آن حضرت می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی، در پیرامون کعبه یک صد و بیست نوع رحمت، قرار داده است که شصت نوع آن مخصوص طواف کنندگان و چهل نوع از نمازگزاران (در پیرامون کعبه) و بیست نوع مخصوص ناظران (و بینندگان) کعبه است.^۲

۴ - و باز امام ششم (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس از روی معرفت (و آگاهی) به کعبه بنگرد و

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۴۰ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۴.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۱۵

همان طور که حقّ و حرمت آن را شناخته، حقّ و حرمت ما را بشناسد(و حریم امامت و رهبری ما را پاس دارد)، خداوند گناهانش را می آمرزد و شوون دنیا آخرت او را کفایت (و تأمین) می کند^۱.

۵ - پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله)

می فرماید: حج گزاران و عمره رونندگان میهمانان خدایند و او خواسته ی آنان را تأمین می کند، دعایشان را مستجاب می نماید و هزینه های سفرشان را جبران و تدارک می کند^۲.

۶ - و نیز آن حضرت می فرماید: کسی که

وصیّت مردم را در مورد حج، به گردن گیرد و

۱ . کافی، ج ۴، ص ۲۴۱.

۲ . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸.

۱۶ / حج یا پرچم پیروز حق

تضمین نماید، ولی در این باره بدون عذر، کوتاهی و تفریط کند، خداوند نماز و روزه چنین کسی را (که حج کسی را گردن گرفته، ولی آن را به انجام نمی‌رساند) قبول نمی‌کند و دعایش را مستجاب نمی‌نماید...^۱.

۷ - امام ششم (علیه السلام) می‌فرماید:

شخص حج گزار، مادامی که پیرامون معصیت و گناه نرفته است، همواره نور حج، در وجودش ثابت است.^۲

۸ - حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

حج و عمره دو بازارند از بازارهای آخرت (که در

۱. مستدرک، ج ۲، ص ۱۲.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۱۷

این دو بازار، با سرمایه ی تقوا و پاکی، می توان، سعادت ابدی را کسب کرد) و آن کس که ملازم این دو عمل باشد، در ضمانت (و در پناه رحمت) خداست که اگر مقدر کرده او را زنده بدارد، او را (به سلامت) به نزد خانواده اش باز می گرداند و اگر مقدر کرده او را بمیراند (و مرگش فرا رسیده) او را داخل بهشت می کند^۱.

۹ - امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «اگر مردم (در یکی از سال ها)، مراسم حج را ترک کنند، بر امام (و رهبر مسلمین) واجب است که آنان را چه بخواهند و چه نخواهند، وادار کند که به انجام حج پردازند (و باید گروهی را برای برگزاری حج به مکه

۱۸ / حج یا پرچم پیروز حق

معظمه، اعزام دارد)، زیرا این خانه (کعبه) برای حج
(و زیارت) بنیاد شده است.^۱

نگارنده گوید: در مورد زیارت رسول
اکرم (صلی الله علیه وآله) نیز چنین الزام و تکلیفی
وجود دارد.^۲

پیرامون تشریح حج و وجوب آن

۱ - امام پنجم (علیه السلام) می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ
عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَ
الْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»؛
اسلام (در مرحله ی عمل) بر پنج چیز بنیاد شده است:

۱. کافی، ج ۴، ص ۲۷۲ و روضة المتقين، ج ۵، ص ۱۱.

۲. کافی، ج ۴، ص ۲۷۲ و روضة المتقين، ج ۵، ص ۱۱.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۱۹

بر نماز، زکات، روزه، حج و ولایت^۱ و برای چیزی(و موضوعی) ندا و صدا(و سفارش) نشده، آن چنان که برای ولایت^۲.

۲ - رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) می فرماید:

«صَلُّوا خَمْسَكُمْ وَ صُومُوا شَهْرَكُمْ وَ آدُّوا زَكَاةَ مَالِكُمْ وَ حَجُّوا بَيْتَكُمْ تَدْخُلُوا جَنَّةَ رَبِّكُمْ»؛

«نمازهای(واجب) پنج گانه خود را بگزارید و

ماه خود را(ماه مبارک رمضان را) روزه بگیرید و

۱ . به نظر بیشتر علما منظور، ولایت الهی پیامبر عزیز اسلام و ائمه اطهار(علیهم السلام) است، ولی برخی از علما و دانشمندان معتقدند این کلمه نسبت به مسأله رهبری و تدبیر امور مسلمین و ولایت فقیه در عصر غیبت نیز شمول دارد.

۲ . اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸، روایت ۱،(باب دعائم الاسلام).

۲۰ / حج یا پرچم پیروز حق

زکات مال خویش را پردازید و حج خانه خود را به جای آورید، تا در بهشت پروردگارتان در آید»^۱.

۳ - امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ

الشَّيْعَةَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا وَ لَوْ
أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الزَّكَاةِ لَهَلَكُوا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَى
تَرْكِ الْحَجِّ لَهَلَكُوا».

«شیعیان اگر (به طور دسته جمعی و همگان»

نماز را ترک کنند، هر آینه نابود خواهند شد و اگر همگان، از پرداخت زکات خودداری کنند، هر آینه

۱ . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳، ح ۱۶ به نقل از تفسیر شیخ

ابوالفتح رازی (قدس سره).

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۲۱

نابود خواهند شد و اگر همگان حج را ترک گویند، هر آینه نابود خواهند شد»^۱.

۴ - و نیز آن حضرت می فرماید: «إِنَّ لِلَّهِ عِزًّا وَ جَلًّا حُرْمَاتٍ ثَلَاثَ لَيْسَ مِثْلَهُنَّ شَيْءٌ: كِتَابُهُ وَ هُوَ حُكْمُهُ وَ نُورُهُ وَ بَيْتُهُ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ تَوَجُّهًا إِلَى غَيْرِهِ وَ عِترَةً نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛

برای خداوند (عزّ و جلّ) سه حرم (و شئی محترم) وجود دارد که هیچ چیز همانند آن ها نیست (هر کدام در نوع و ابعاد خاصّ خویش بی مانندند) کتاب او (قرآن) که فرمان و نور او است و خانه ی او (کعبه) که آن را قبله ی مردم قرار داد و

از هیچ کس توجه به غیر آن را نمی پذیرد و عترت پیغمبرتان (صلی الله علیه وآله).^۱

۵ - حضرت امیر (علیه السلام) در ضمن

وصیتی می فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ فَلَا يَخْلُو مِنْكُمْ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرِكَ لَمْ تُنَاطِرُوا وَ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَمَّهُ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ مَا سَلَفَ.»

خدا را، خدا را، درباره ی خانه ی پروردگار خویش که مبدا مادامی که در قید حیات هستید (و در دنیا به سر می برید)، این خانه از شما خالی (و تهی) ماند، چه این که اگر این خانه متروک (و مهجور) بماند، مهلت داده نخواهد شد (و کفار به شما مسلط شوند خداوند خداوند شما را کیفر خواهد داد) و

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۲۳

کم‌ترین (و کوچک‌ترین) ره آوردی که حج گزار (حقیقی) به ارمغان خواهد برد، آمرزش گناهان گذشته‌ی او (پیش از برگزاری حج) می‌باشد.^۱

۶ - در روایات بسیاری آمده است: هر کس

بدون عذر موجّه شرعی حج را به تأخیر اندازد تا بمیرد، یهودی یا نصرانی خواهد مرد (و به کیش اسلام و قول ثابت ایمان باقی نخواهد ماند) و روز قیامت نابینا محشور خواهد شد.^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴.

۲. همان و کافی، ج ۴، ص ۲۶۹.

فصل دوم

فلسفه ی حج از دیدگاه آیات و روایات

پیش از پرداختن به فلسفه ی حجّ، باید به این حقیقت توجه داشته باشیم که مجموعه ی هستی «و هر چه هست» بر اساس حکمت و بر مبنای مصلحت بوده و هست.

در کتاب، «تکوین» خواه در «آفاق» و خواه در «انفس و قلمرو جان ها» این قانون و ضابطه و «حکمت الهی» است که حکم می راند و در کتاب «تدوین» و نظام تشریح نیز همین عامل است که «موجود مکلف» را به دارالسلام «اسلام» و صراط مستقیم «ایمان» و «عمل صالح» فرا می خواند.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۲۵

و «حکیم مطلق که علیم مطلق است»، هر چه خواهد یا گوید: «قانونمند» است. هر ایجاد را «حکمتی» است و هر موجود را «علّتی» و هر فرمان را «فلسفه ای» که در «حریم هستی» و «قاموس وجود» واژه هائی چون: عبث، لغو، گزاف، تصادف و اتّفاق و فطور... راه ندارد.

در رابطه با این موضوع به نقل چند روایت می پردازیم تا روشن گردد که همه ی برنامه ها و احکام آئین اسلام بر مبنای حکمت، مصلحت و فلسفه ای است، گر چه آن حکمت بر ما پوشیده باشد و خوشبختانه فلسفه ی بسیاری از احکام در ضمن آیات و روایات تبیین و تشریح شده است.

۱ - امیر مؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «قَالَ
اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ يَا عِبَادِي أَطِيعُونِي فِيمَا
أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَلَا تَعْلَمُونِي بِمَا يُصَلِّحُكُمْ فَإِنِّي أَعْلَمُ بِهِ وَ
لَا أَبْخَلُ عَلَيْكُمْ بِمَصَالِحِكُمْ»؛

خداوند - عزوجل - از بالای عرش فرمود: ای
بندگان من در مورد دستوراتی که به شما می دهم مرا
اطاعت نمایید و نسبت به اموری که به صلاح شما
است، مرا تعلیم ندهید، زیرا من «بہتر از خود شما» به
مصلح شما آگاہم و درباره شما نسبت به مصالحتان،
بخل نمی‌ورزم «و چیزی فروگذار نمی‌کنم»^۱.

۲ - جمیل بن درّاج، «یکی از راویان و محدثان
مشهور» می گوید: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۲۷

شَيْءٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَقَالَ إِنَّهُ لَمْ يُجْعَلْ شَيْءٌ
إِلَّا لِشَيْءٍ: از امام ششم (علیه السلام) درباره ی حلال
و حرام «و فلسفه ی احکام» پرسش کردم، حضرت
در پاسخ فرمود: هیچ حکمی «چه حلال و چه حرام
و...» بدون جهت «و علت» وضع نشده است.^۱

۳ - امام هشتم (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّا

وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحُ
الْعِبَادِ وَبَقَائِهِمْ وَلَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ
عَنْهَا وَوَجَدْنَا الْمَحْرَمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادِ إِلَيْهِ
وَوَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا إِلَى الْفَنَاءِ وَ الْهَلَاكِ.»

تمام چیزهائی را که خداوند حلال نموده است،

یافتیم که مصلحت و بقاءِ بندگان به آن ها بستگی

دارد و آنان محتاج آنند و نمی توانند که از آن بی نیاز باشند و چیزهای حرام را یافتیم که «نه تنها» بندگان محتاج آن نیستند، بل عامل فساد و نابودی و هلاکت «آنان» است^۱.

۴ - و نیز امام هشتم (علیه السلام) می فرماید:

«اعْلَمَ يَرْحَمُكَ اللهُ أَنْ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُبِحْ أَكْلًا وَ لَا شُرْبًا إِلَّا لِمَا فِيهِ الْمَنْفَعَةُ وَ الصَّلَاحُ وَ لَمْ يُحَرِّمْ إِلَّا لِمَا فِيهِ الضَّرَرُ وَ التَّلْفُ وَ الْفَسَادُ فَكُلُّ نَافِعٍ مُقَوِّلٍ لِلْجِسْمِ فِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ فَحَلَالٌ وَ كُلُّ مُضِرٍّ يَذْهَبُ بِالتُّقُوَّةِ أَوْ قَاتِلٌ فَحَرَامٌ».

خداوند هیچ خوردن و آشامیدن را حلال نکرده است، مگر به جهت آن که سود و مصلحت

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۲۹

انسان در آن بوده و هیچ کدام را حرام نکرده است، مگر به جهت زیان و هلاکت و مفسده ای که در آن بوده است. پس هر نافع و شیء سودمندی که جسم و بدن را تقویّت و نیرومند کند، حلال است و هر شیء مضر و زیان مندی که عامل تضعیف بدن گردد یا کشنده و مهلک باشد، حرام است^۱.

۵ - امام حسن عسکری (علیه السلام) در

نامه ای که خطاب به یکی از اصحاب خویش نوشته اند می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِمَنَّهُ وَرَحْمَتِهِ لَمَّا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الْفَرَائِضَ لَمْ يُفَرِّضْ ذَلِكَ عَلَيْكُمْ لِحَاجَةِ مِنْهُ إِلَيْهِ بَلْ رَحْمَةً مِنْهُ إِلَيْكُمْ... خداوند - عزوجل - چون از باب امتنان و رحمت خویش،

۳۰ / حج یا پرچم پیروز حق

فرائض «و واجبات» را بر شما فرض و لازم نمود، به خاطر نیاز او به طاعت شما نبود، بل به خاطر رحمت او بر شما بوده «و هست». آن حضرت در این نامه خاطرنشان نموده است که منظور از تشریح احکام، این است که انسان ها خود را بیازمایند و با شرکت در این آزمون های الهی خود را در مسیر سعادت ابدی و تکامل و رشد عقلانی و معنوی قرار دهند تا به فوز و فلاح و رستگاری دست یابند و این که این کار بدون هدایت و رهبری امامان معصوم (علیهم السلام) مقدور و ممکن نیست و الزاماً باید از طریق آن بزرگواران به معارف حقّه و دستورات شرع مقدّس اسلام پی برد^۱.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۳۱

فلسفه ی حج از دیدگاه برخی از آیات

۱ - «وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَ

عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ و مردم را

دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواره بر

مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو آیند.

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ

مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا

وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ؛ تا شاهد منافع گوناگون

خویش (در این برنامه حیات بخش) باشند؛ و در ایام

معینی نام خدا را، بر چهارپایانی که به آنان داده

است (به هنگام قربانی کردن) ببرند، پس از گوشت

آنها بخورید؛ و بینوای فقیر را اطعام نمایید!.

۲ - «جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ

وَ الشَّهْرَ الْحَرَامَ...»

خداوند قرار داد کعبه، آن خانه محترم را

ایستادگی «و عامل برپائی» مردم و ماه حرام را...^۱.

«خداوند متعال کعبه را محترم قرار داد و بعنوان

«بیت الحرام» مقرر فرمود و از طرفی، بعضی از ماه ها

را هم حرام کرد و به وسیله ی جعل فریضه ی «حج»

که در «ذیحجه الحرام» انجام می گیرد «بیت الحرام و

ماه حرام» را به هم مربوط ساخت... و «بیت الحرام»

را قبله گاه مردم نمود تا در نماز دل و روی خود را

متوجه آن کنند و اموات و ذبیحه های خود را به

سوی آن توجه دهند و در هر حال آن را احترام

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۳۳

نمایند تا در نتیجه ی این توجه، به صورت جامعه ای متحد و متشکل و هماهنگ در آیند و با این اتحاد و هم بستگی دنیا و دینشان زنده و پاینده بماند و از نقاط گوناگون و آفاق دور دست به سوی آن سفر کنند و حج گزارند و شاهد منافع و مصالح خویش گردند...»^۱

فلسفه ی حج از دیدگاه برخی از روایات

۱ - امام ششم (علیه السلام) می فرماید: «فَجَعَلَ فِيهِ
الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا وَ لِيَتَرَبَّحَ
كُلُّ قَوْمٍ مِنَ التَّجَارَاتِ مِنْ بَلَدٍ وَلِيَنْتَفِعَ بِذَلِكَ
الْمُكَارَى وَالْجَمَالَ وَ لِيَتَعَرَفَ آثَارُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَعَرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى».

خداوند مقرر فرمود که مردم از شرق و غرب جهان در مراسم حج، گردآیند تا یکدیگر را بشناسند(و با تفاهم به اتحاد برسند و به حل مشکلات اجتماعی و دفع دشمنان مشترک درون مرزی و برون مرزی پردازند) و تا هر گروه و قومی که(در رابطه با مراسم حج) از شهری به شهری سفر می کنند از کسب و تجارت خویش سود برند و تا مکاریان و شترداران(که مرکب ها را به کرایه می دهند) استفاده نمایند و تا آثار رسول خدا(صلی الله علیه وآله) و برنامه ی زندگی و خط مشی آن حضرت شناخته و یادآوری شود که فراموش نگردد.^۱

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۳۵

۲ - امام هشتم (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ

عَلَّه الْحَجَّ الْوَفَادَةَ إِلَى اللَّهِ وَ طَلَبُ الزِّيَادَةِ وَالْخُرُوجُ
مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ وَ لِيَكُونَ تَائِباً مِمَّا مَضَى مُسْتَأْنِفاً
لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَ مَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ تَعَبِ
الْأَبْدَانِ وَ حَظْرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ وَ التَّقَرُّبِ
فِي الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ...».

فلسفه ی حج، ورود «در حرم خدا» و رفتن به

سوی اوست و درخواست و تقاضای

خواسته های (مشروع بیشتر، در دنیا و آخرت) و

بیرون شدن از هر گناه که شخص نموده است و تا از

«گناهان» گذشته توبه نماید و نسبت به آینده ی

خویش تجدید «نظر» کند (و به جبران غفلت های

پیشین به اعمال صالح و نیک پردازد) و (نیز حج به

خاطر) انفاق مال (در راه خدا) و به خاطر این که «در سفر حج» بدن ها به رنج و زحمت افتد و از خواهش ها (تمایلات جسمانی) و لذت ها و خویشتن را باز دارد (و مهم تر از همه این که) در عبادت خود را به خدای عزوجلّ مقرب و نزدیک گرداند»^۱.

آری حج هم میهمان خدا شدن و عرض حاجت به درگاه اوست و هم تجدید نظر در برنامه و کارنامه‌ی روزانه‌ی انسان مسلمان و هم دستگیری از مستمندان است و بالاتر از همه، این که «حج» یک آزمون بزرگ الهی است، آزمونی که سر آغاز و

۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۹۰ و

علل الشرایع، ج ۲، ص ۹۰.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۳۷

زمینه ساز تحوّل معنوی و تحرک باطنی حج گزاران
حقیقی و راستین بوده و هست.

۳ - ابان بن تغلب می گوید به امام
صادق (علیه السلام) عرض کردم منظور از این آیه
چیست که می فرماید: «جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ بَيْتَ الْحَرَامِ
قِيَاماً لِلنَّاسِ...»

فرمود: پروردگار خانه کعبه را عامل قوام و
پایداری دین و دنیای مردم داده است.^۱
حج در نهج البلاغه از زبان مولود کعبه

۱. «عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام):
جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ قَالَ جَعَلَهَا اللهُ
لِدِينِهِمْ وَ مَعَايِشِهِمْ» تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴.

۱ - حضرت امیر(علیه السلام) می فرماید: «خداوند متعال حج بیت الله الحرام را بر شما واجب گردانید و آن را قبله ی مردم قرار داد... خداوند سبحان آن خانه را پرچم و نشانه ی اسلام و پناه پناهندگان مقرر داشت و حج آن را لازم نمود و رفتن به آن جا را فرمان داد^۱.

۲ - و در خطبه ای دیگر «در رابطه با تشریح عوامل تقرّب به خداوند متعال» می فرماید: برترین وسیله برای تقرّب به خداوند سبحان(ده چیز است) اوّل: تصدیق و اعتراف به یگانگی خدا و رسالت رسول خدا(صلی الله علیه وآله)... و هفتم: حج خانه ی خدا و به جا آوردن عمره ی آن است که

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۳۹

حج و عمره فقر و پریشانی را می زداید و گناه را می شوید و پاک می سازد...^۱».

۳ - و در ضمن خطبه ای مفصل می فرماید:

«آیا نمی بینید که خداوند سبحان بر پیشینیان را از زمان آدم (صلی الله علیه وآله) تا آخرین نفر از این جهان آزمایش فرموده به سنگ هایی (که کعبه مقدّسه از آن ها بنا شده است)... پس آن سنگ ها را بیت الحرام خود قرار داد، خانه ای که آن را برای مردم برپا گردانید پس آن را قرار داد در دشوارترین جاهای زمین از جهت سنگستان بودن... و تنگ ترین درّه ها... پس آدم (علیه السلام) و فرزندانش را امر فرمود که به جانب آن متوجّه گردند و بیت الحرام

۴۰ / حج یا پرچم پیروز حق

محلّی برای سود دادن سفرها و مقصد انداختن بارهاشان گردید (گذشته از سود اخروی که به خاطر انجام حج می برند سود دنیوی هم دارد)... از بیابان های بی آب و گیاه و دور از آبادی و از بلندی های درّه های سراشیب و از جزیره های دریاها که (بر اثر احاطه دریا به آن ها از قطعات دیگر زمین) جدا شده است (از راههای دور و دراز کوچ کرده با سختی بسیار به آن جا می رسند) تا این که دوش های خود را با خضوع و فروتنی (در سعی و طواف) می جنبانند.

در اطراف خانه تحلیل (لااله الاالله) می گویند و بر پاهایشان هرّوکه می کنند در حالی که برای رضای خدا ژولیده مو و غبارآلوده رو هستند... .

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۴۱

خداوند ایشان را (در زیارت بیت الحرام به این امور) امتحان و آزمایش نمود. امتحانی بزرگ و سخت و آشکار و کامل که آن را سبب دریافت رحمت و رسیدن به بهشت گردانید. اگر خداوند سبحان می خواست خانه محترم و عبادت گاه های بزرگ خویش را قرار دهد بین باغ ها و جوی ها و زمین نرم و هموار با درخت های بسیار و با میوه های در دسترس و ساختمان های به هم پیوسته... و مرغزار نهر و زمین های پرگیاه بستان دار و کشتزارهای تازه و شاداب و راههای آباد، مقدار پاداش را به تناسب کمی آزمایش اندک می گردانید و اگر پایه هایی که خانه بر آن ها نهاده شده و سنگ هایی که به آن ها بنا گردیده از زمرد سبز و

یاقوت سرخ و نور و روشنایی بود چنین ساختمانی
در سینه ها زدو خورد شک را کم می کرد و کوشش
و تلاش شیطان را از دل ها بر طرف می ساخت و
اضطراب و نگرانی تردید را از مردم دور می نمود، و
لیکن خداوند بندگانش را به سختی های گوناگون
می آزماید و با کوشش های رنگارنگ از آنان بندگی
می خواهد و ایشان را به اقسام آنچه پسندیده ی
طبع ها نیست امتحان می فرماید، برای بیرون کردن
کبر و خودپسندی از دل ها و جا دادن فروتنی در
جان هایشان و برای این که آن آزمایش را درهای
گشاده به سوی فضل و احسان خود و وسائل آسان
برای عفو و بخشش خویش قرار دهد»^۱.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۴۳

۴ - و در رابطه با تشریح برخی از حکمت ها و مصالح احکام آئین اسلام می فرماید: «خداوند واجب گردانید ایمان را به جهت پاک کردن (دل های بندگانش) از شرک و واجب گردانید نماز را به جهت منزّه بودن از تکبر و سرکشی و واجب نمود زکات را به منظور تأمین روزی (بینوایان) و روزه را برای آزمایش اخلاص مردم و حج (و زیارت خانه ی خدا) را برای قوّت یافتن دین (چون بر اثر گردآمدن طوائف مختلف، عظمت و بزرگی اسلام آشکار می شود) و جهاد را برای ارجمندی (وعزّت) اسلام (و شکست دادن کفار) و امر به معروف را برای

۴۴ / حج یا پرچم پیروز حق

اصلاح توده (و جامعه‌ی اسلامی) و نهی از منکر را
برای جلوگیری از کم خردان (و ارشاد آنان)...^۱.

بیانی از بانوی بزرگ اسلام

«...فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ وَ
الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً وَنِمْاءً
فِي الرِّزْقِ وَالصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَشْيِيداً
لِلدِّينِ...»

...«پس خداوند ایمان «و توحید» را مقرر داشت

تا شما را از شرک تطهیر نماید و نماز را لازم کرد تا
شما را از تکبر پاک گرداند و زکات را برای پاکی و
افزایش در روزی شما قرار داد و روزه را لازم کرد

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۴۵

تا إخلاص «درعمل و عقیده» را تثبیت «و تحکیم» کند و حج را واجب نمود تا دین «اسلام» را تقویّت «و تأیید» نماید.^۱

فصل سوم

تجزیه و تحلیل کلی و جمع بندی

حج، خانه ی خدا و اعمالی که می بایست در این مقدّس ترین معبد الهی انجام گیرد به قدری در سازندگی فرد و جامعه تأثیر دارد که کمتر قابل وصف و تشریح است و باید رفت و دید و خواست و یافت، چون به هیچ وجه با قضایای معمولی قابل قیاس نیست. و باید دانست که اگر انسانی به انجام

۱. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۳۴ و علل الشرایع، ج ۱،

حج توفیق یابد و در مراسم آن شرکت جوید و با زبان سرو به ظاهر «لَبَّيْكَ» گوید، ولی تحوُّلی در «روحیه ی» او، روی ندهد و به مسیر تکامل و سعادت ره نبرد، قطعاً، یا از حکمت و اسرار آن آگاهی نداشته است و یا نیروی غرایز حیوانی در او به قدری قوی و نیرومند بوده که اگر خود حق و حقیقت را نیز می دید و در جاذبه و مدار آن قرار می گرفت، از آن می رمید و کمترین بهره و نتیجه ای از این مشاهده و جذب و جاذبه نمی برد. در این تجزیه و تحلیلی که در رابطه با تشریح گوشه ای از اسرار حج و فلسفه چرائی آن در این جا آورده ایم خاطر خواننده را به نکات ذیل جلب می نماییم:

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۴۷

۱ - مسلّم است که در تمام جوامع بشری و همه ی دوران ها، جایگاه های مخصوصی برای برگزاری مراسم عبادی و پرداختن به تفکّرات معنوی ساخته شده است. این معابد و پرستشگاه ها، در حقیقت «رصدگاه هایی» است که برای نظاره «بی نهایت» و ایجاد رابطه میان «بی نهایت بزرگ» و «انسان» به وجود آمده است. در این «رصدخانه ها»ست که انسان ها بدون واسطه با «خویشتن خویش» روبرو می شوند و در عرصه ی امواج نور و در فضایی باز و سرشار از شور و شوق با خدای بی انباز، به راز و نیاز می پردازند.

در هیچ یک از جایگاه ها و واحدهای ساختمانی که بشر با دست خویش می سازد، مصالح

ساختمانی از آن چه که هستند، تغییری پیدا نمی کنند، اما در مصالح ساختمانی معابد، وضع به گونه ای دیگر است، تو گویی که آن ها در معابد، مبدل به روح و جان شفاف می شود و انوار الهی را در آئینه ی دل ها منعکس می سازد. این «معابد» به چشمه سارهای زلال و گوارایی می ماند که در میان سنگلاخ ها، کویرها و دشت های سوزان زندگی حیوانی انسان ها قرار گرفته است.

و انسان ها با شستشو در این چشمه سارها، طراوت و شادابی روح را در می یابند.

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۴۹

«بیت الله الحرام»، نخستین معبد جهانی است که برای همه ی مردم، ساخته شده است. کعبه اولین خانه ی توحید و با سابقه ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد. هیچ مرکزی پیش از آن جایگاه نیایش و پرستش پروردگار نبوده است. و «کعبه» خانه ای است که برای مردم و به سود و مصلحت جامعه ی بشریت، در نقطه ای که مرکز اجتماع و محلی پر برکت است؛ بنیاد شده است. طبق برخی از مدارک و منابع اسلامی، خانه ی کعبه، نخست به دست آدم (علیه السلام) ساخته شده و در طوفان نوح (علیه السلام) آسیب دید و توسط حضرت ابراهیم (علیه السلام) به طور اساسی بازسازی

۵۰ / حج یا پرچم پیروز حق

شد و از آن زمان به بعد همواره مورد توجه موحدین بوده است.

۲ - «کعبه» در جایی بنیاد شده است که هیچ

گونه وسیله ی تفریح و هیچ منظره ی طبیعی خوشایندی در آن وجود ندارد. سنگ لاهی را می بینی که در میان اقیانوسی از ریگزارها و دیدگاه های خشن، به تو خیر مقدم می گوید و تو در آن حوزه، مجالی و راهی برای اندیشیدن به جنبه های رفاهی زندگی نمی یابی! حکمت بالغه ای است که «کعبه» را در این جایگاه خسته کننده قرار داده است که انسان را از محیط های خوش آب و هوا، به این بیابان گرم و سوزان می کشد تا طعم تکلیف الهی را بچشد و تا میزان ایمان او بر او و

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۵۱

دیگران روشن گردد و در بوته‌ی این آزمون آموزنده و بزرگ، آبدیده و ورزیده شود و تا زندگی پست مادی را به چیزی نشمرد، باشد که «خویشتن خویش» را در بازار بزرگ «معمار حرم» از بردگی و بندگی «نفس» و «نفوس» و «نقائات» باز خرد.

در حج، هیچ یک از عوامل طبیعی و نفسانی، نقشی در انجام تکلیف ندارد و تو در این تکاپو و تلاش، انسان را می‌یابی و «معبود راستین» را که رویاروی او است.

۳ - شگفت‌انگیزترین حکمتی که در حج مشهود است، احساس وحدت و همبستگی است که در حدّ‌اعلای مفهوم انسانیت، به برکت اسلام، به وجود می‌آید. عالم و جاهل، کوچک و بزرگ، زن و

مرد، سیاه و سفید، با جدی ترین چهره ی حیات، در کنار یک «کانون» و بر اساس یک «قانون»، می جوشند و می خروشدند. می روند، می دوند، می نشینند و برمی خیزند.

و این خیزش و خروش و رفت و بازگشت و چرخیدن و گردیدن، همه در یک جهت و در یک خط و در یک مدار و بر یک محور است و او «الله» است. و «الله»، «اکبر» است.

تضادها و تنوعاتی که انسان ها را از یکدیگر جدا کرده (و از هر کدام در برابر یکدیگر گرگی درنده ساخته و آنان را به جنگ و پیکار با یکدیگر واداشته است) مبدل به هماهنگی و وحدتی می گردد. این احساس همبستگی و هماهنگی است

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۵۳

که اگر ادامه یابد و مربیان جوامع، آن را به طور جدّی در آموزش و پرورش به کار گیرند، بسیاری از دردها و رنجهای اجتماعی درمان خواهد شد.

۴ - در این عمل فوق العاده سازنده ی حج است که عامل درندگی انسان «که خودخواهی و خودمحوری او است» با ضربه ای قاطع از پای در می آید و فضای درون را برای خداخواهی؛ خداجوئی و خداخوئی، خالی می کند که: «دیو چو بیرون رود فرشته درآید».

و به راستی، انسان دل آگاه و سالک پای در راه، در اعمال و مناسک متنوع حج، بارها و بارها، تجرّد روح و فوق طبیعی بودن آن را به خوبی در می یابد. روح و روان انسان حج گزار، با باز کردن

زنجیرهای سنگین بار محیط و اجتماع و خواسته‌های طبیعی خویش، به قدرت و نیروی پرواز خویش در بیکرانه‌ها و تا «بی نهایت» پی می‌برد و حیات مطلوب و معقول و مسعود خود را در افقی بسیار بالا و گسترده و در فضایی بهتر و برتر، می‌جوید و «جوینده یابنده است».

۵ - در این اجتماع عظیم، نمایندگان جوامع مختلف اسلامی را می‌بینی، که از دور و نزدیک در مراسم این مانور و نمایش نورانی، شرکت جسته‌اند و اینان، به خوبی می‌توانند با یکدیگر به تبادل فکری و فرهنگی پردازند تا از دردها و نابسامانی‌ها و مشکلات موجود و حاکم بر جوامع خویش، اطلاع و آگاهی یابند و برای رفع کمبودها و نارسایی‌ها و

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۵۵

چگونگی مقابله با دشمنان داخلی و خارجی به مشورت نشینند و درباره ی آینده ی اسلام و فرایند امت مسلمان بیندیشند. و طرق مختلف دسترسی به تکامل و رشد جامعه و خانواده ی بزرگ جهان اسلام را مورد بررسی قرار دهند.

و روابط خود را از نظر کمیّت و کیفیت تا عالی ترین حدّ ارتباطات و پیوند یک خاندان هم جوش، مهربان و موفق و سالم، بالا ببرند، و باور دارند که اسلام بر «کلمه ی توحید» و بر «توحید کلمه»، یعنی بر اساس «ایمان» و «اتّحاد» استوار است که در پرتو «امامت و رهبری» شکوفا می شود و به بار می نشیند. و «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ» که: «دست حق باشد میان اجتماع متفق».

۶ - هر یک از اعمال متنوع حج، عامل مستقلی

برای بارور کردن بُعدی از ابعاد شخصیت انسان است که در مجموع «در چند روز محدود»، او را به یک موجود الهی متحوّل می نمایند.

دو قطعه پارچه ی سفید به نام «لباس احرام»،

عاریتی بودن لباس های فاخر و رنگارنگ معمولی را برای انسان قابل درک می سازد.

انسان به برکت این حرکت معنوی که در

مراسم حج، متبلور می شود و با گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ

لَبَّيْكَ...» می تواند به عمق عقده های حقارتی که

یک عمر، روان او را مختل ساخته و آئینه ی ضمیر او

را تیره و تار کرده پی ببرد و آن ها را از فضای جان

پاک بزداید و درست در چنین شرایطی است که

دوره هفتم، شماره دوازدهم / ۵۷

انسان می‌تواند ارزش و عظمت و گستردگی ابعاد وجود خویش را لمس کند و «حج»، یک‌خانه تکانی است و عامل تطهیر ظرف وجود خویش، به‌منظور ارزیابی ظرفیت وجودی خویش و انباشتن آن با مظهری مناسب و لازم، «که همان معارف و معالم الهی است»، و به کار بستن آن در عرصه‌ی عمل و خانه‌تکانی در کنار خانه‌ی خدا، کار آسانی نیست اما مقدور و شدنی است. به‌شرط آن‌که بخواهی و به‌شرط آن‌که بدانی که اگر: خواهی و دانی این خود تکانی نیکو توانی «والله ولیّ التوفیق»^۱.

۱. باید توجه داشت که اسرار حج به‌مراتب بیش از این است که در اینجا به آن اشارت رفت، ولی چون در این نوشتار، می‌بایست مراعات اختصار می‌شد به همین مقدار بسنده گشت. تفصیل این بحث را به فضل الهی در دفتر سوم «از

۵۸ / حج یا پرچم پیروز حق